

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگه - کابل

۱۰ جون ۲۰۲۱

نقش بدسوادی و شهرنشینی ناقص در کشتار و بربادی

(۴)

آنگاه

خورشید بر دمید

و خفتگان دیدند

که در پناه شب

با خود چه کرده‌اند.

اول

سواد بدون فرصت شغلی، حکومت‌داری خوب و عدالت نسبی ابزار بربادی می‌شود. فرض کنید سواد ابزار کار است، مثل کلنگ و بیل و داس. وقتی به دست نسلی داس بدهید اما زمین زراعتی در اختیارش نگذارید و یا اره بدهید اما کارگاه نجاری میسر نباشد، آن‌گاه هزاران آدم مسلح به کلنگ و داس و اره چه کار خواهند کرد؟ حتماً بیکار خواهند نشست، چیزهائی را اره خواهند کرد، جاهائی را خواهند کند و راهی برای درو کردن خواهند یافت.

حال فرض کنید، از مکاتب و دانشگاه‌ها هزاران آدم داس و کلنگ به‌دست وارد جامعه‌ای می‌شوند که باغ و مزرعه‌اش را قومندان‌ها و سیاست‌مداران قبضه کرده‌اند و هیچ کاری برای امرار معاش و استفاده از مهارت خود ندارند. اما کسانی این وضعیت را فرصت دانسته، دست به‌کار می‌شوند. لشکر بیکار ابزارداران را "هدایت" می‌کنند و راههائی برای استفاده از داس و کلنگ پیش‌روی‌شان می‌گذارند. این آموزگاران مثلاً می‌گویند داس و کلنگ شما نعمت خداوندی است که باید برای آبادی مزرعه آخرت استفاده کنید. هدایت‌شان می‌کنند که این جهان آزمون‌گاه موقت است و لازم نیست شما به فکر داشتن باغ و مزرعه باشید. بیایید، خانه دشمنان خدا را با این کلنگ‌ها ویران کنید و گلوی کافران را با داس‌های‌تان ببرید.

داس و کلنگ‌داران می‌پرسند: دشمنان خدا و کافران کی‌ه‌اند؟

هدایت دهندگان می‌گویند: دشمنان دور نیستند. خود شماست. نفس شماست. برادران و خواهران شماست.

داس و کلنگ‌داران می‌پرسند: ما چگونه دیوارهای نفس خود را ویران کنیم و چگونه سر برادران و خواهران خود را درو کنیم؟

هدایت دهندگان می‌گویند: تفاوت نشانه کفر و عداوت است. هرکسی را که متفاوت از خود دیدید، درو کنید. اگر بینی شما کوتاه است، هرجا بینی دراز دیدید، ببرید. اگر شما دست‌باز نماز می‌خوانید هرجا دست‌بسته دیدید، با کلنگ بزنید. اگر شما بیرق سفید دارید، در هر دستی که بیرق سیاه دیدید درو کنید. صدها هزار داس‌دار، کلنگ‌دار و اره به‌دست امروز در دسته‌های متخاصم گروه‌بندی شده‌اند، کم‌کم سیل می‌شوند و شاید طوفان بزرگی از خون و ویرانی به‌راه اندازند.

****دوم****

شه‌رنشینی بدون فرصت شغلی، حکومت‌داری خوب و عدالت نسبی پوسیدگی به‌بار می‌آورد. فرض کنید هر شه‌روند یک نهال است. در طبیعت، هرجا آب و خاک مناسب باشد تعدادی کنار هم می‌رویند، برگ و گل و میوه می‌دهند و زندگی می‌کنند. قریه‌ای در این دامنه، باغی در آن جلگه و تک‌توک درخت‌هایی در شاخ کوه‌ها با مهر و غضب طبیعت خو می‌گیرند.

حال فرض کنید این درخت‌ها به شوق پیوستن به باغستان بزرگ (شه‌ر) دسته دسته به کابل کوچ می‌کنند. اما در باغ کابل، دهقانی نیست که اینان را در فاصله‌های مناسب جابه‌جا کند تا مانع تابش نور آفتاب به‌همدیگر نشوند، آب داشته باشند، راه داشته باشند و در خاک غنی ریشه بگیرند. درخت‌ها غجومک تمام زمین را مثل علف هرزه پر خواهند کرد، از سرودست یک‌دیگر بالا خواهند رفت، همدیگر را خفه خواهند کرد. باغ (شه‌ر) آن‌گاه باتلاق خواهد شد، پر از درخت‌های آفت‌زده، میوه‌های پوسیده، خاک بی‌برکت و آب مسموم.

پنج میلیون اصله درخت و نهال کابل اگر باغبان می‌داشت، تمام حوزه کابل را شاداب می‌ساخت و میوه‌اش به شرق و غرب دنیا سیری و رفاه می‌برد، اما امروز باغستان مسموم و آفت‌زده‌ای شده است که از چین، شبه‌قاره هند، خاور میانه، آسیای میانه، آفریقا، اروپا و امریکا حشرات گزنده و حیوانات درنده را جلب می‌کند.

سواد و شه‌رنشینی اما در شه‌رها محدود نمانده و در روستاها نیز رخنه کرده است. میلیون‌ها انسان داس‌دار بی‌مزرعه و شه‌روندان معلق بین ریشه‌های سنت و شاخه‌های مدرنیته در حال پوسیدن‌اند. وقتی سد موقت امریکا و ناتو برداشته شود، سیلاب‌هایی که امروز در هر دره جریان دارند و نسبتاً پراکنده‌اند، به‌هم خواهند پیوست و طوفان دیگری به راه خواهد افتاد.

آیا سیلاب‌گیرهای وطنی ساخته خواهند شد؟ آیا کسانی برای جلوگیری از بربادی بی‌سابقه‌ای که در راه است آستین برزده به باغبانی، آفت‌زدائی و سم‌زدائی همت خواهند کرد؟

****سوم****

در کابل و سراسر کشور پوسیدگی وحشت‌ناکی دیده می‌شود. تنها داس‌به‌دستان بی‌باغ نیستند، آفت به گروه بزرگی از کسانی که مصروف کار در ادارات‌اند، در مکاتب و دانشگاه‌ها کار می‌کنند، از مؤسسات معاش‌های بلند می‌گیرند، نیز سرایت کرده است.

بخش کلان درس‌خوانده‌های افغانستان پوره یا نیمچه طالب‌اند. مثل طالبان هرچه بشنوند بدون تحقیق باور می‌کنند، به‌آسانی مبلغ شایعه می‌شوند، موازین اخلاقی قرون‌وسطائی دارند و اگر جایی دیدند گروهی خشمگین کسی را سنگ‌باران می‌کنند، فوراً باور می‌کنند که گروه سنگ‌به‌دست به حق‌اند و جرم شخص سنگ‌باران‌شده ثابت است. پوسیدگی به آن مرده‌های ریشوئی که چشمان خسته و گونه‌های فرورفته دارند (در سرپای‌شان روان‌پریشی دیده می‌شود) محدود نیست. دختران شیک‌پوش، مأموران نیکتائی‌دار، مدیران دال‌گیر و تاجران میلیونر نیز به این آفت گرفتارند.

خیلی‌ها مثل طالبان از تحقیر کردن لذت می‌برند و تشنه پامال کردنِ حقوق هم‌دیگرانند. دیگران را گمراه می‌گویند، اما خودشان نماد کامل گمراهی اند. در زندگی مادی تا گلو در فیشن، سودخواهی و گاه دزدی و غارت گیراند، اما ذهن و زبان‌شان پر از اوراد تکفیری و بنیادگرایی است. اینان آفت بزرگانند.

******چهارم******

(تقصیر خود ماست)

در خلق مشکلات کنونی خیلی‌ها از جمله امریکا، پاکستان، کشورهای عربی، ایران، سیاست‌مداران و رهبران جهادی، لیبرال‌ها و تکنوکرات‌های از غرب آمده و بسیار دیگر دخیل اند. اما، تقصیر اصلی از اپوزیسیون و منتقدانی چون من و شماست. ما گروه فریب‌خورده و عافیت‌طلبِ پرمدها در بیست سال اخیر چندان کار سازنده انجام ندادیم. ما انسجام نیافتیم، آگاهی‌دهی نکردیم، خطر نکردیم، با نیروهای هم‌سوی خود متحد نشدیم. گروه گروه به خارج پناه بردیم، اگر در کشور ماندیم در چوکی‌های اداری لمیدیم، معاش گرفتیم و حاضری امضاء کردیم. باید این وضعیت تغییر کند. باید باهم در برابر این سیل بایستیم. (این نوشته با عنوان دیگری قبلاً در صفحه فیسبوکم نشر شده بود)